

نگاهی به شاعر بر جسته سند، مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی، آثار و ویژگیهای شعری او

فائزه خاتون*

چکیده:

مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی یکی از عارفان، نویسندگان و شاعران برجسته قرن دو ازد هم هجری به شمار می رود. وی ازین رو در ادبیات فارسی جایگاه عالی و حامل مقام بلند است که وی در زمان آخر تالپران ۱۲۵۹ هـ ق می زیست و به خصوص در عهد انگلیسی ها که دوره ی تنزل زبان و ادب فارسی در سند بود- او علاقه و پیوستگی خود را با زبان و ادب و شعر فارسی نشان داده و تذکره "تکمله مقالات الشعرا" را در سال ۱۳۰۷-۸ هـ ق تألیف نمود و به سبب تألیف همین تذکره معروف شد. در این مقاله راجع به زندگینامه و شخصیت عالی او در میدان سخن سنجی و به خصوص ویژگی های شعری او را برای مطالعه خوانندگان عزیز عرضه شده است.

واژه های کلیدی: مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی، شعر فارسی درسند، تاریخ ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، تذکره نویسی فارسی-

*عضوهیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کراچی.

پیش گفتار:

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی”، قدرت و توانای خود را در نوشتن
“تکمله مقالات الشعرا” صرف کرد و همین تالیف اورانه تنها در تمام سند بلکه در شبه قاره نیز
به زروهی اوج رساند. بنابر این وی همیشه در تحت “تکمله مقالات الشعرا” مورد توجه محققان بوده
است و تاکنون شاعری او مورد بررسی هیچ محقق قرار نگرفته است. لذا ما درین مقاله ی حاضر می
بینیم که مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی چگونه ویژگیهای شعری داشته است. امید واریم این مقاله برای
پژوهشگران وعلاقه مندان شعروسخن، فارسی سود مند خواهد شد.

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” در تته به سال ۱۲۴۳ به مطابق سال ۱۸۲۷م بدنیا
آمد(تتوی، خلیل: ۱۹۵۸م، ص ۱۶۸). وی در “تکمله مقالات الشعرا” شجره نسب خودرا چنین
نوشته است.

“محمد ابراهیم بن مخدوم عبدالکریم بن مخدوم غلام حیدر بن مخدوم عبدالکریم بن
مخدوم محمد زمان بن مخدوم عنایت الله بن مخدوم امین محمد بن مخدوم کرم الله
قدسنا الله تعالی به اسرار هم”. (همو، همان، ۱۶۷)

نیاکان “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” از هرات به سند آمده بودند ایشان از اهل علم و فضل و
عارفان بودند.

نام او “محمد ابراهیم” است. کلمه “مخدوم” از قدیم با خانواده اش نوشته شده است و
“تتوی” صفت نسبیتی است چنانچه بیشتر محققین ونویسندگان بعدی در تالیف های خود نامش
“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” نگاشته اند فقط در “مقالات قاسمی” و “سندجا اسلامی درسگاه”

بانام او بالترتیب “میر خلیل” (قاسمی، ۲۰۰۰م، ص ۲۱۴) و “سیدخلیل” (تالپور، جمن، ۱۹۸۲م ص ۳۷۶) را اضافه کرده است. شاید روی احترام نوشته اند.

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” در شعر سه تخلص به کار برده است. اول “مسکین” تخلص کرد سپس به مناسبت نام خود تخلص “خلیل” ورزید و در زبان سندی تخلص “اداسی” اختیار کرد. (تتوی: ۱۹۵۸، صص ۵۵۹، ۲۱۲) آوازه او از تخلص “خلیل” است به همین در زمان خود معروف بوده است لذا در هفت نامه “مفرح القلوب” که در بندر کراچی نشر می شد نامش بر غزل با تخلص “خلیل” درج است.

محققین بعدی و تذکره نویسان جدید نیز در آثارهای خود همین تخلص های او را نقل کرده اند بجز خانم “شاهده بیگم” وی در کتاب خود درباره تخلص او چنین می نویسد:

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” در آغاز تخلص خود “مسکین” می ورزید و سپس به مناسبت مسلک تصوف تخلص خودش “ولی” اختیار کرد- (درس: بی تا، ص ۲۶۱)
اما تخلص “ولی” با “خلیل” نسبت دادن درست نیست وی در آثار خود تخلص “ولی” را هیچ جا ذکر نکرده است و آخرین تخلصش “خلیل” بود.

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” مرد باسواد بود. او تحصیلات ابتدای از جد خود، مخدوم غلام حیدر تتوی متوفی ۱۲۶۱ه و پدر خود، مخدوم محمد عبدالکریم تتوی م ۱۲۷۲ه الملقب به دایم الصوم فراگرفت (تتوی: ۱۹۵۸م، ۲۱۱) و برای سمنحوری به “مولوی آل احمد هندوستانی متوفی” ۱۲۹۶ه (همو، همان، ص ۵۹)، و “میاں ضیاء الدین” (همو، مائده نسخه خلیل/خطی، ص ۱۲) بهره برده است.

او در کودکی به هشت سالگی ناظره قرآن خواند. و نوشتن فارسی و عربی هم آموخت و مجموعه صرف ونحو، علم اصول فقه، علم منطق، علم ریاضی، علم حدیث، علم تفسیر، اصول حدیث، و علم مناظره فراگرفت وی در خورد سالگی به شعروادب مایل شد و در صحبت "میر سید غلام محمد گدا" متوفی ۱۳۲۲هـ از زبان اردو آشنا شد و بعد از دیدن "دیوان ناسخ"، "دیوان آتش"، و "دیوان آباد" شعر هندی را نیز می سرود. (تتوی: ۱۹۵۸م، ص ۲۱۳)

وی مرد عالم و صوفی بود در شعر دسترس کافی داشت چنانچه وی خودش، در "تکمله مقالات الشعرا" بسیار شاگردان خود را نام آورده است مانند "قاضی علی محمد" (همان، ص ۴۹۰) (متوفی ۱۳۰۶هـ) "قاضی غلام علی" (همان، ص ۱۱۲) (متوفی، ۱۳۰۳هـ)، "غلام علی سبز پوش" (متوفی بعد ۱۲۹۹هـ) (همان، ص ۴۱۴)، "میان عبدالغنی" (همان، ص ۴۷۰)، "میان محمد بلال" (همان، ۳۶۵)، "میان محمد زاهد" (همان، ص ۳۱۲)، "میر سید کریم بخش شیرازی" (متوفی ۱۲۹۷هـ) (همان، ص ۳۷۸)، و غیرهم.

پدرش مخدوم محمد عبدالکریم تتوی، و برادرش، مخدوم فیض احمد، و پسرش، محمد زمان (متوفی ۱۳۰۶هـ) نیز از شعر و سخن رغبت داشتند و به فارسی شعری سرودند و همه ایشان دارای بیاض بودند.

"مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی" اهل سنت، حنفی المذهب و صدیقی نسب بود و در تصوف به سلسله ی نقشبندیه منسلک بود. وی در "تکمله مقالات الشعرا" چنین اظهار می کند.

"الصدیقی نسباً، والنقشبندی طریقتاً، والحنفی مذهباً....." (همان، ص ۱۶۷)

و در "دیوان خلیل" در این مورد اینطور می گوید:

اسم خلیل حق بودم نام ای عزیز منم بود به طریقه اسلام ای عزیز
صدیق زباده فیض از کمال صدق از شاه نقشبند خورم جام ای عزیز

(تتوی، خلیل، دیوان نسخه خطی، ص ۹۷)

نیا کانش صاحب علم و کمال و اهل ذوق و معرفت بودند و از مشایخ سلسله ی نقشبندی به
شمار می رفتند. “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” نیز بدست عالم جید و شیخ طریقت “حضرت
خواجه عبدالباقی مجددی نقشبندی” (متوفی ۱۲۸۷هـ) بیعت کرد وی در ضمن ارادت و بیعت خود در
“تکمله مقالات الشعرا” چنین می نویسد:

“فقیر کاتب الحروف” (مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی) هم از آنجناب (حضرت

خواجه عبدالباقی) تلقین طریقت یافته” (تتوی، ۱۹۵۸)

از بررسی آثار “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” این برمی آید که وی از مرشد خود بسیار
عقیدت داشت بنا براین پیش او جایگاه عالی و ممتاز داشت او برای تربیت باطنی و کسب فیض مرشد
خود به مسافرت های کوتاه سپری شد چنانچه وی “لسبيله” ، “سوئیانی” ، “اتهل” و “کراچی”
سفر کرد. و به موضع “سوئیانی” این رباعی را برای مرشد خود سرود.

الایا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها که بهر ساغر فیضت نمودم قطع منزل ها
شهادارم امیدی آنکه چون این منزل ظاهر کم سیر سلوک باطنی رستم زباطل ها (همان، ۷۵)

همینطور وی در “دیوان مسکین” بر غزل خواجه عبدالباقی تضمین نموده کیفیت قلبی خویش

را نیز آشکار می کند:

سیه شد نامه اعمال من از ظلمت کثرت بکن روشن به نور وحدت خود شمع جانم را

زفیض “باقی” یارب بکن روشن دل مسکین تجلی زار نور خویش کن مرآت جانم را

چونکه “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” از زنجیره ی طریقت نقشبندی پیوسته بود لذا از مشایخ دیگر این سلسله نیز ستایش پرداخته به آنان اظهار ارادت نموده است وی در مدحت “ابوالقاسم نقشبندی نورالحق” چنین سخن می سراید:

خواجه	خواجگان	ابوالقاسم	مرشد	انس	وجان	ابوالقاسم
رشد	را	بوستان	فیض	را	گلستان	ابوالقاسم
شکرکز	فیض	ذکر	شد	مرا	ورد	جان
		نورالحق				ابوالقاسم

(تتوی، دیوان خلیل، نسخه خطی، ۱۴۸)

و جای دیگر برای “خواجه محمد عمر” که از بزرگان و عرفای نقشبندیه ونوه “خواجه عبدالباقی” بود، می گوید:

نه سلوک راشناسم نه به جذبه آشنایم	ز هجوم نا امیدی به کمال ابتلایم
سزد ار قدیم خود را بنوازی از تلطف	به در تو پادشاهها چوگدای بی نوایم
اگرم غی نوازی چکنم چه چاره سازم	به در دگر نخواهم به عرض جبه سایم
توکه مرشد زمانی نظری به حال من کن	که دمی زغلط غفلت به صفای هوش آیم

(همان، ص ۱۴۷)

“مخدوم محمد خلیل تتوی” از کودکی میان مردم اهل عرفان و سلوک بسر برد چنانچه تمام زندگی او نیز سر مشق “تبتل الیه تبتیلا” بود و همه عمر خود را برای سخن و ادب و خاتمه وقف کرده تا آخرین ایام حیات خود فعالیت های علمی و ادبی مشغول بوده است او در سال، ۲ ربیع الاول ۱۳۱۷ هـ تاریخ وفات خواهر گفته است. (همان، ص ۲۳)

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” خود به همین سال یعنی ۱۳۱۷ هـ به مطابق سال ۱۸۹۹ م. ازین جهان فانی در گذشت:

“مولانا عبدالکریم درس” شاعر پرگو، و دوست او بود. وی تاریخ وفاتش سروده است.

یکی از آنها در زیر است؛.

بود مسکین خلیل بی شک و ریب ثانی اثین عارف رومی
سال نقلش سروش گفت از غیب درس خوان “قطب وقت مخدومی” (تتوی:
۱۹۵۸، ۲۵۰ یا درس بی تا، ص ۳۳)

قبرش در گورستان “مخدوم ابوالقاسم نقشبندی” به جانب مغرب موجود است و قبرش خام است و هیچ کتیبه ندارد. (تتوی: ۱۹۵۸م، ص ۲۵۲) در دیوانش ثبت است که وی اشعاری برای سنگ مزار خود سروده بود و این آرزو داشت که “نقش قبر فقیر (خلیل) اگر این فرد شود بهتر”.
زنده میرد عاقبت ای زایر فرخ شعار تکیه نتوان کرد هرگز بر حیات مستعار
(همو، همان، ص ۲۵۳)

آثار مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی:

تالیفات “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” به قرار زیراند:

آثار نثری او این است:

۱. تکمله مقالات الشعرا
۲. مکاتیب “کشکول مسکین”
۳. رساله “تحفته الفقیر”
۴. انشای “مأده خلیل”

آثار منظوم او این است:

۱. دیوان مسکین
۲. “دیوان خلیل”

“تکمله مقالات الشعرا” تالیف معروف “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” است که به تصحیح و حواشی “حسام الدین راشدی” به توسط سندی ادبی بورد، به چاپ رسیده است و در دنیای ادب فارسی یکی از مأخذ تاریخی بی بها بشمار می رود.
مکتوبات ایشان بنام “کشکول مسکین” و رساله ای کوتاه “تحفته الفقیر” در دست نیست
“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” آن رساله را در مناقب “حضرت میر نظر علی، مرشد جد خود، و

“مخدوم غلام حیدر تتوی” جد مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی، تحریر کرده است. و مکاتیب دیگر او بنام
“مأنده خلیل” موجود و تاکنون غیر چاپی است.

“دیوان مسکین” که اولین دیوان او هست متأسفانه در دست نیست فقط غزل های
منتخب از “دیوان مسکین” که خودش در “تکمله مقالات الشعرا” آورده است. در دسترس ماهستند.
“دیوان خلیل” یکی از مهمترین آثار اوست و هنوز کسی او را تصحیح نکرده است لذا من
این دیوان را بطور پایان نامه خودم منتخب کردم و موضوع پایان نامه بنده و شرح احوال و آثار
و تصحیح انتقادی دیوان “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” است.

ویژگیهای شعری او:

اکنون ویژگیهای شعری او که در، تکمله مقالات الشعرا، و دیوان مسکین، و “دیوان خلیل” دیده می
شوند بیان می کنیم.

مختصات شعری مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی از “تکمله مقالات الشعرا”:

شهرت “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” تاکنون فقط از “تکمله مقالات الشعرا” است. وی
این تذکره را به حیثیت شاعر نوشته است و بعد از مطالعه آن تذکره، می توان مخدوم محمد ابراهیم خلیل
تتوی را از حیث شاعر “سخن سنج” و “توانا” و “برجسته” شناخت. این نیز آشکار می شود که
وی به فن شعر و سخن کما حقّه آشنا بود لذا می توانست شعر نیک و بد را بسنجد. وی در ضمن
ذکر شاعران، بر ذوق شعری آنان رای صایب و مختصر داده است. اقتباسهای چند از “تکمله مقالات
الشعرا” بطور شاهد می آوریم:

وی سلیقه شعری و استعداد نثری “مرزا احمد علی” (م ۱۳۱۲ هـ) را چنین بیان کرده

است:

“فصاحت ماب بلاغت انتساب “مرزا احمد علی” شاعری

فصیح و تاثری بلیغ است نظمش دلپسند و نثرش ارجمند”

(تتوی: ۱۹۶۸ م، ص ۲۴)

و جای دیگر در مورد قریحه شعر “سید محمد رضا متخلص به آصف” را با این کلمات افتخار ثبت کرده

است:

“سید الشعراء، در کمال نکته دانی، اقلیم بلاغت و فصاحت

راشه‌نشاه، گردون متانت و نزاکت را روشن ماه، شیرین بیان

رنگین عنوان” - (همان، ص ۲۴)

درباره ی وصف شعر “قاضی غلام علی” چنین آگاهی می دهد:

شیری طبع، رنگین وضع ... (همو، همان، ص ۱۱۲)

“آخوند امید علی سها” در عصر خودنامور بود توصیف او اینطور کرده است:

صاحب المنظوم والمنثور، مشهور نزدیک و دور، واقف اسرار هوش دردم، حاوی آثار

نظر بر قدم، حافظ کلام ربانی، واقف رموز سخندانی، درخوش نویسی طاق، در علم سباق معرفت آفاق.

(همو، همان، ص ۳۴۰)

و جای دیگر ذوق و استعداد شعری “میر عظیم الدین” (م ۱۲۲۹هـ) را با کلمات مناسب و جامع بیان

کرده است و با توصیف او ستایش “محمد محسن تتوی” و “مداح تتوی” نیز کرده است.

محسن تتوی را “مجلس سخنوران راجراغ” قرار داده است وی می گوید:

فصاحت و بلاغت آئین “میر عظیم الدین” صاحب در نظم به

دبده تام مشهور و معروف اند. گویند بعد انتقال مجلس

سخنوران را چراغ “محمد محسن صباغ” و فرزندش باعث

سرور ارواح “میاں غلام علی مداح” شاعری در شهر تنه

مثل “میر عظیم الدین” نه برخاست و فی الواقع جلد گو

وروان طبع است. (همو، همان، ص ۳۵۹)

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” با کمال متانت و دیانت مرتبه‌ی شعرا مذکوره بالا را بیان می‌کند و نکته مهمی این است که وی درین کتاب “تکمله مقالات الشعرا” علاوه شعرای دیگر، بر شعر خود نیز رای داده است. و خود را شاعر بزرگ می‌دانست وی در ضمن “مرزا بنده علی” این شعر او را نقل کرده است.

هلال عید با ابروی او دم می‌زند آخر زکج فهمی به جان خویشتن شمشیری خواهد
وی به همین ردیف و قافیه غزلی سروده شعر خود را برای دانا وینا، “دامنگیر” و “دلپذیر” گفته است.

“فقیر (مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی) هم درین میدان زنجیر
و شمشیر دارد اگر تاب مقاومت این پهلوان ندارد اماندانا داند
و وینا بیند که تقریر این بیت چه قدرت امانگیر است و تحریر
کلام این فقیر چه مقدار دلپذیر...”

واشعار زیر نوشته است :

دلم برپای خود از گیسویت زنجیر می‌خواهد سرم برجان خود از ابرویت شمشیر می‌خواهد
بیاض از همسری زلف او دم می‌زند سنبل پیای خویشتن از کج روی زنجیر می‌خواهد
(همان، ص ۴۵۲)

مختصات شعری “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” از دیوان مسکین:

شعرهای “دیوان مسکین” پراز محاسن شعری است و قدرت کلامش را نشان می‌دهد
وی نیز خود را در برابر استادان سخن مانند “عظیم الدین تتوی”، “مایل تتوی”، و “محسن
تتوی” عطا تتوی، محمد پناه رجالتتوی، “میر علی شیر قانع تتوی” قرار داده این ادعای کند که
این اساتید شعر، او را “مسند سخن” داده اند چنانچه شعرش از “دیوان مسکین” ملاحظه شود.
سپرده اند به من مسند سخن مسکین عظیم و مایل و محسن عطا رجا قانع

(همو، همان، همانجا)

وگاهی بلندی افکار خود را در پیرایه ای دلنشین بیان کرده در این اشعار سادگی، سلاست و روانی
هم آشکار است:

گفتار چند گفت چو طبع روان من گفتم نشان به دهر بماند بیان من
مردم زخوبی سخن من سخن کنند بوسیده کرد خاک دهان و زبان من

و جای دیگر بر شعر خود چنین افتخار می کند درین شعر صنعت تجاهل عارفانه نیز دیده می شود یک
مطلع و مقطع این ست:

نجم ثاقب یا ثریا یاسمن یانسترن یا عرق بر روی تو یا لولو لالاست این
نقش چین یا شعر رنگین یا مگر رعنا گلی یابر طاووس یا مسکین زمن انشاست این
(تتوی، ۱۹۶۸م، ص ۱۷)

وی شعرهای خود را نتیجه ی کمک هاتف والهام قرار می دهد این غزل او ذو قافیتین است و
درین تلمیحات نیز یافته می شود دوشعر از آن بطور مثال در زیر است :

کی شود یا ران به پیش صاحب کشف القلوب رونق آئینه سکندری و جام جم
شعر هر وضعی که می خواهد دلت مسکین بگو چون مددگار ت هاتف باشد و الهام هم
(همان، ص ۵۶۱)

ازین شعرهای بالا می توان حدس زد که وی بر شعر و سخن چیره دست بود.

مختصات شعری مخدوم محمد ابراهیم خلیل از “دیوان خلیل”:

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” یکی از شاعران سبک هندی بشمار می رود واز همه

اصناف شعری به ویژه غزلسرای معروف بوده است.

وی در “دیوان خلیل” بر اصنافهای مختلف شعری مانند، مسدس، مخمس، قطعه رباعی،

فرد، غزل و تاریخ گوی طبع آزما کرده است.

“دیوان خلیل” نشانگر است که وی از استادان پیشین و معاصرین مانند سعدی حافظ جامی، امیر خسرو نظامی گنجوی، و محسن تتوی، مداح تتوی، قانع تتوی، عظیم حیدر، طرزی و غیرهم در نظر داشته است. “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” راجع به کلام خود می گوید:

شیرین سخن است اگرچه خسرو لیکن شه تخت دل نظامی است
مستی چو می آورد کلامم این نشه زفیض شیخ جامی است
(تتوی، دیوان خلیل، نسخه خطی، ص ۵۶)

وگاهی چنین اعتراف می کند:

گرفتم درس از حافظ خلیلا تعالی الله چه دولت دارم امشب
(هما، همان، ج ۲، ص ۲۶)

از بررسی “دیوان خلیل” روشن می شود که وی بر فن شعر مهارت تامه داشت. وی خود نیز وصف شعر خود را درک می کند بنا بر این می گوید:

به گوش رغبت آرد گفته خوش آب تو هرکس مگر گفتار شیرینت خلیلا در مکنون است
(همو، همان، ص ۱۰۷)

وی درین رباعی وصف شعر خود را در پیرایه قشنگ این طور تفسیر کرده است:

ای کان نمک زان نمکین آچارم گردید زبسکه پر نمک گفتارم
گشته است بیاضم به نمکدان مشهور شورست به هنداز نمکین اشعارم
(همو، همان، ج ۳، ص ۲۰۰)

جای دیگر این طور سخن می سراید:

ای بلبل خلیل چه جادوبه لحن تست کافتاده است شورش چه چه چمن چمن
(همو، همان، ص ۱۵۲)

وی در این غزل نیز توصیف و قدرت شعری خود را چنان ابراز می کند:

کاروان سالاری دردم کرامت کرد عشق شورش آه و فغان دل سرو سامان ماست

شعله خوبان بسکه از حرمان دلم را سوختند دفتر سوز درون هر فرد از دیوان ماست
(همو، همان، ص ۵۱)

نغمگی و موسیقیت در همه دیوانش دیده می شود چنانچه اشعارهای زیر بطور مثال ملاحظه شود.
منم مفتون یاری غمزه کاری عشوه کرداری به دل بردن خبر داری به جان دادن سزاواری
به ظاهر مویه موغافل به باطن پر خرد عاقل ندیدم هیچ جای دل چنین یک خفته بیداری
(همان، ص ۲۳۲)

وی این غزل نعتیه را بالحن عالی سروده است مطلع و مقطع آن در ذیل است:
نسیم سعری برو به یثرب حقیقت حال من بیان کن زسوز حرمان زرد هجران زشوق و صلم همه عیان کن
حبیب حق را بگوز رفت خلیل مفتون بوده هجرت رهش نملی سوی وصال کشان کشان بر آستان ده
(همان، ص ۱۹۶)

“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” در کلامش تشبیه، استعاره و تلمیحات را بکثرت بکار
برده است.

ایاتی چند بطور نمونه این است:
رُخش گل زلف سنبُل چشم نرگس سرو بالایش سرا پا دیده شوگر خواهی ای همدم تماشایش
نه از زنجیر گیسویش پریشان خاطر مِ تنها قیامت کرد برپا بر سرمن قد رعنائیش
(همان، ص ۱۳۵)

وی جای دیگر تشبیهات را با طرز لف و نشر آورده است سلاست و روانی نیز دیده می
شود:

لب و دندان جانان در خیال آورده خوا بیدم به بیداری چو دیدم لعل و گوهر بود درد ستم
چسان خوانم به پیشش نسخه درد فراق خود دل صد پاره چون اوراق ابتر بود درد ستم
(همان، ص ۱۴۸)

او درین شعر “نرگس” را بطور استعاره به جای “چشم” آورده است:

می رمیدم مثل آهو دور دور از دشت عشق فتنه انگیخت لیکن نرگس جادوی او
(همو، همان، نسخه نقل، ص ۲۱۰)

در این اشعار تلمیحات و استعارات یافته می شود و مضمون آفرینی وجدت خیال نیز عیان است:
به نزدیکش نفتم نور او از دور می دیدم چوکوه طور یاران جلوه گاهش را ادب کردم
به مصر یار هرگز رخصت رفتن نبود اما عزیز من دل گم گشته را جستن سبب کردم
نگاه لطف را زین دنیوی خوبان نمی خواهم خلیلا مهر را درخواست ازماه عرب کردم
(همو، همان، نسخه خطی، ص ۱۵۰)

ویژگی نمایان شعر او موضوع تصوف است نمونه های شعر او اینگونه است:
وقت آنکس خوش که اورایاد ایزد یاد باد باغ قلبش از بهار ذکر حق آباد باد
اتباع سنت و ذکر خدایم یاد باد مقصدم این است دیگر هرچه باد یاد باد
در سلوکم آبروی جذبه یا رب گردهی آتش افتد در هوس خاک هوا برباد باد
خلعت ایمان و جاگیر مقام معرفت یا رب از سرکار محبوبت مرا امداد باد
پاس افلاس آنکه پردستور دارد در نظر خود عزیز مصر معنا وشه ارشاد باد
(همان، ص ۱۱۸)

این شعر نیز نشانگر تمایل باطنی اوست:
بقای هستی خودی ثبات دریایی کنار بخریه بینی اگر حباب در آب
کم از سراب مدان آب دنیوی هرگز به جذبه سالک حق شو مشو خراب در آب
(همان، ص ۱۰۳)

از اشعار مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی آشکار می شود که او همیشه به راه اطاعت خدا و اتباع
شریعت گامزن بوده است:
گربه طاعت گذرد عمر سعادت باشد وره غفلت گذرد محض شقاوت باشد
در حضور تو خداوند کریم متعال عرض این بنده به صد عجز مذلت باشد

(همان، ص ۷۱)

واز الله جل شانہ آرزو می کند که:..
 به قلم نقش فرما کلمه الله یا الله به عشق حسن خود گردان دلم آگاه یا الله
 شه ما رحمت عالم بود باشد که بر حالم نظر ها از کرم سازد به مهر آن ماه یا الله
 (همان، ص ۱۶۲)

کلام او مزین از عالی نظری و نمایا نگر وسیع المشربی وی می باشد. وی مرد صوفی منش
 بر صفای باطن اعتقاد دارد خود از سلسله نقشبندیه است با آنکه بین مشایخ هر چهار سلسله رفاقی
 حس نمی کند و همه را مورد تکریم قرار می دهد چنانچه در آغاز “دیوان خلیل” را بر تضمین
 “حضرت خواجه معین الدین چشتی” (م ۶۳۳هـ) کرده است:

خلیل تاجر معینم عطا نمود این دُر بین وصال خدا در وصال نام خدا
 (همان، ص ۹۹)

و جای دیگر به مدح “جناب حضرت پیر دستگیر عبدالقادر جیلانی” (م ۵۶۱هـ) مخمس
 سروده است و بر کلامش نیز پیروی کرده است:
 ای گناه راه طاعتم یزدی ازچه آیا مثال دیو دوی
 نفس دادست لغزشم به بدی یا حبیب الا له خذ بیدی
 مابجزی سواک مستندی (تتوی: نسخه خطی،، نقل،
 ص ۲۷۰)

وی درین اشعار تلقین عشق حقیقی می کند و اصطلاحات عرفانی هم آورده است:
 غیر از عشق حقیقی هرزه کاری هابود بی زیان شناس بر سود مجاز خود مناز
 بزم اهل بود طنبور را در پرده دار لحن غلطک را ز دل برکش به ساز خود مناز
 هوش دردم کن خلیل آسا نظر نه بر قدم کوتاهی بگذار بر عمر دراز خود مناز
 (همو، همان، خطی، ۱۲۳)

عشق مجازی یکی از مضامین اساسی غزل است وی علاوه از عشق حقیقی، گاه گاهی وصف
محبوب خود وی رخی وی اعتنایی او را بیان کرده است چنانچه می گوید:
عجب منظور دلکش نازنینی بیا چون نور در چشم نشینی
نگه بر هرکه کرد از خویشتن رفت به چشمش ختم شد سحر آفرینی
بد خشانی ست لعلت زلف شامی رخت رومی و ابروی تو چینی
(همان، ص ۱۴۷)

وی گاهی سنگ دل معشوق را چنین ابراز نموده است:
خونم به لب تشنه بنوشد که شراب است قلم بستم قیقه نماید که کباب است
با غیر مرّوت کند از دل که مدار است د زدیده به سویم کند رخ که حجاب است
(همان، ص ۱۰۶)

بنا بر همین وصف های شعری و شخصی، او از زمان خود تاکنون مورد تحسین محققین،
نویسندگان و شاعران بوده است:

چنانکه قبلاً ذکر کردیم که بروفا تش دوست و معاصر وی “مولانا عبدالکریم درس” تاریخ
وفاتش سروده است، وی در آن تاریخ ها “مخدوم محمد ابراهیم خلیل تنوی” را “ادیب کامل” “حق
گو” “حق جو، و “رونق شهرتته” قرار می دهد و این نیز اعتراف می کند که وی “فروغ بزم ارباب
فضایل” بوده است و “از و فیضان حق حاصل می شود” و این نیز بر می آید که “عبدالکریم درس”
وی را در برابر مولانا “رومی” می شارد چنانچه می گوید:

ادیبی	کاملی	یکتای	دوران	فروغ	بزم	ارباب	فضایل
خلیلی	نقشبند	لوح	دل	ها	ازو	فیضان	حق می گشت حاصل

و چنین هم می گوید:
بود مسکین خلیل بی شک وریب ثانی اثنین عارف رومی

و جای دیگر این طور سخن می سراید:

نقشبند معانی رنگین جان معنی سر آمد شعرا
تته را فخر بود از ذاتش ذات او بود در جهان یکتا
(تتوی، ۱۹۵۸، ص ۲۵۰؛ درس، بی تا،
ص ۳۳)

“دکتر ظهور الدین احمد” در تالیف خود چنین می نویسد:

خلیل از فن شعر بخوبی آگاه بود و از کیفیت الهامی شعر
واقف بود و درد عشق رامی دانست.
(احمد، ظهورالدین: ۱۹۷۷، ص ۴۲۶)

“دکتر مهدی توسلی” درباره شاعری او اینطور می گوید:

.... هر چند که در شاعری نیز دستی توانا و قریحه ای
سرشار داشت. (درس، بی تا، ص ۲۴۹)

و همینطور “صاحبزاده ابو الخیر محمد زبیر” که خود مرد عالم و فاضل هستند در کتاب خود
“مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی” را “آفتاب علم و فضل” و “ولی کامل” قرار داده اند.
(صاحبزاده، ۲۰۰۷م، ج ۱، صص ۲۲۳-۲۲۸)

از همه نمونه های شعری او می توان نتیجه گرفت که وی مرد صوفی منش، و شاعر لطیف
و پر قدرت بود و این شعر مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی بر شاعری اوصادق می آید که:
زبحرین دل و طبع خلیل من چه می پرسی بنظم و نثر سلک دُر بودهر لفظ و معنایش
(تتوی، دیوان، نسخه خطی، ص ۱۲۷)

کتابشناسی منابع:

- احمد ظهورالدین، پاکستان میں فارسی ادب، ۱۹۷۷م . دانشگاه پنجاب، لاهور.
- ایچ آئی سدا رنگانی، پرشین پوئیت آف سند، ۱۹۵۶م ، سندی ادبی بورڈ ، حیدر آباد.
- تالپور، جمن، سند جا اسلامی درسگاه، ۱۹۸۲م یاران سردار پریس ، حیدر آباد.

- تتوی خلیل، محمد ابراہیم، تکملہ مقالات الشعراء، ۱۹۵۸ م، تصحیح و حواشی، حسام الدین راشدی، سندی ادبی بورڈ، کراچی.
- تتوی خلیل، محمد ابراہیم، دیوان خلیل، نسخہ خطی، کتابخانہ، انسٹیٹیوٹ آف سند الاجی، جامشورو، سندھ.
- تتوی خلیل، محمد ابراہیم، دیوان خلیل، نسخہ خطی (نقل) نقل کنندہ فقیر غلام احمد مخدوم نقشبندی، کتابخانہ سندی ادبی بورڈ، حیدرآباد.
- تتوی خلیل، محمد ابراہیم، مائدہ خلیل، نسخہ خطی، کتابخانہ انسٹیٹیوٹ آف سند الاجی.
- توسلی، محمد محمدی، ابراہیم خلیل تتوی و نقد تذکرہ او؛ مجموعہ مقالات سیمینار زبان و ادبیات فارسی درسند، خانہ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، کراچی، ۲۰۰۷.
- درس، عبدالکریم، مجموعہ متفرقات درس، سعی و اہتمام، میرزا حسام الدین سیف العلما تبریزی در مطبع ترقی واقع بہندی بازار بمبئی سال تالیف ندارد.
- صاحبزادہ، ابوالخیر محمد زبیر، سند کے صوفیائے نقشبند، ۲۰۰۷، ضیاء القرآن پبلی کیشنز، لاہور، کراچی.
- قاسمی، غلام مصطفیٰ، مقالات قاسمی، ۲۰۰۰ م، مرتب پروفیسر مظہر الدین سومرو، نفیس پرتنگ پریس، حیدر آباد.